

منابع بین‌المللی راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه

مصطفی زهرانی^۱

تیمور فرجی لوحه سرا^۲

عناصر و مولفه‌های متعددی در سطوح فردی، ملی و بین‌المللی بر جهت‌گیری‌ها و اهداف فدراسیون روسیه در طراحی و تدوین سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تاثیرگذار بوده‌اند. از این‌رو، یکی از عناصر مهم و تاثیرگذار در این باره، فشارها و اقتضائات ناشی از منابع بین‌المللی بوده که عوامل و متغیرهای بیرونی و فراسرزمینی را شامل می‌شود. به‌گونه‌ای که شناخت و تامل در این منابع بین‌المللی می‌تواند درک بهتری از اهداف و انگیزه‌های روسیه در تهیه سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به‌دست دهد. منابع بین‌المللی اثرگذار بر جهت‌گیری‌های فدراسیون روسیه در این راهبرد عبارت‌اند از: توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی و جهانی شدن. لذا، هدف از نگارش این مقاله، بررسی چگونگی تاثیرگذاری این منابع بین‌المللی بر راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه است. مولفین در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی هستند که منابع بین‌المللی چگونه بر جهت‌گیری‌های روسیه در سند مزبور تاثیر داشته‌اند؟ پاسخ موقت به این سوال به عنوان فرضیه، آن است که فشار ناشی از منابع بین‌المللی موجب اتخاذ استراتژی دوگانه تقابل و همراهی فدراسیون روسیه با این منابع بین‌المللی قدرت در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ شده است.

واژگان کلیدی: منابع بین‌المللی، راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، فدراسیون روسیه، استراتژی دوگانه تقابل و همراهی.

۱. نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل، تهران، ایران. Email: mostafazahrani@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشکده روابط بین‌الملل، تهران، ایران.

Email: teymoor.faraji@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۱۷

مقدمه

در ارزیابی سیاست‌های نظامی-امنیتی فدراسیون روسیه^۱، تجزیه و تحلیل اسناد رسمی منتشر شده از سوی این کشور بسیار راهگشا خواهد بود؛ چرا که این اسناد بازتاب وقایع گذشته، حال و احتمالاً آینده بوده و فضای فکری حاکم بر کرملین را به نمایش خواهد گذاشت. در واقع، فدراسیون روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران مهم در عرصه سیاست منطقه‌ای و بعضاً جهانی مطرح بوده و اندرکنش‌های نظامی-امنیتی آن از ابعاد مختلفی حائز اهمیت می‌باشد. از این‌رو، بررسی و تبیین «راهبرد امنیت ملی فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۲۰^۲» -که در این نوشتار به اختصار راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ خوانده خواهد شد- به‌عنوان آخرین سند رسمی منتشر شده از سوی این کشور می‌تواند درک مناسبی از ذهنیت و جهت‌گیری امنیتی مسکو به‌دست دهد. در این سند، مخاطرات پیش روی فدراسیون روسیه و راه‌کارهای احتمالی مقابله با آن بررسی گردیده و تلاش شده است تا واقعیت‌های موجود مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، مقامات کرملین تلاش داشته‌اند تا راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ ضامن استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، رفاه و ثبات اقتصادی و سیاسی فدراسیون روسیه بوده و با مخاطرات موجود در این‌باره مقابله نماید (J. Blank, 2011:4). این مهم سبب می‌شود تا دقت‌نظر در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ موجب پی بردن به لایه‌های مختلف تفکر نظامی-امنیتی نوین روسیه شده و از این رهگذر امکان رفتارشناسی این کشور در تحولات حال و آینده را مقدور سازد.

به هر روی، نوشتار حاضر برآن خواهد بود تا اثرگذاری منابع بین‌المللی قدرت بر جهت‌گیری‌های مسکو در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ را مشخص نماید؛ چرا که به نظر می‌رسد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حوادثی مانند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موجب تحول در منابع بین‌المللی قدرت شده و این مسئله اقتضائات نوینی را در سطح بین‌المللی ایجاد نموده است. در واقع، باید تصریح نمود که یکی از عناصر مهم و تاثیرگذار در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، فشارها و اقتضائات ناشی از منابع بین‌المللی بوده که عوامل و متغیرهای بیرونی و فراسرزمینی را شامل می‌شود. به‌گونه‌ای که شناخت و دقت نظر در این منابع بین‌المللی می‌تواند درک بهتری از اهداف و انگیزه‌های روسیه در تهیه سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به‌دست دهد. منابع بین‌المللی اثرگذار بر

^۱ Russian Federation

^۲ Russia's National Security Strategy to 2020

جهت گیری های فدراسیون روسیه در این راهبرد عبارت هستند از: توزیع قدرت ناشی از نظام بین الملل، سازمان های بین المللی و جهانی شدن. از این رو، فدراسیون روسیه به عنوان میراث دار یکی از محورهای جهان دوقطبی و به عنوان بازیگری که تلاش دارد تا خود را بازسازی کرده و اقتدار پیشین خود را بازیابد، خواسته یا ناخواسته در معرض اثرات ناشی از تحول در منابع بین المللی قدرت می باشد. لذا، تبیین نحوه اثرگذاری منابع بین المللی بر جهت گیری های مسکو در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به عنوان هدف اصلی در نوشتار حاضر خواهد بود. در واقع با بهره گیری از روش توصیفی- تحلیلی دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی هستیم که منابع بین المللی چگونه بر جهت گیری های روسیه در سند مزبور تاثیر داشته اند؟ آیا اقتضات ناشی از این منابع موجب روی آوردن مسکو به سیاست های خصمانه شده است؟ پاسخ موقت به این سوالات به عنوان فرضیه، آن است که فشار ناشی از منابع بین المللی موجب اتخاذ استراتژی دوگانه تقابل و همراهی فدراسیون روسیه با منابع بین المللی قدرت در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ شده است. به گونه ای که این کشور در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ با برخی از منابع بین المللی قدرت از در آشتی و همراهی درآمده ولی نسبت به برخی دیگر، رویکرد تقابل و خصمانه داشته است.

چارچوب نظری؛ منابع بین المللی قدرت

یکی از عرصه های نظری که در علوم سیاسی و مطالعات منطقه ای قابل تامل بوده و بسیاری از مباحث نظری و فرانظری این حوزه را در بر می گیرد به آثار و پیامدهای ناشی از مبادی و عناصر خارجی و بین المللی موثر بر سیاست ها و جهت گیری های داخلی کشورها باز می گردد. این مهم در جهان پساوستفالی و به ویژه در عصر روابط بین الملل متکثر امروزی اهمیت دوجندانی نیز پیدا کرده است. توجه و تعمق بر آثار و پیامدهای ناشی از این مبادی و عناصر خارجی و بین المللی موجب می شود تا تمایز سنتی میان سیاست داخلی و روابط بین المللی کشورها از میان رفته و صحبت از منابع بین المللی سیاست داخلی کشورها به میان آید (Gourevitch, 1978:881). در واقع، منابع بین المللی قدرت^۱ شامل عوامل و متغیرهای فراسرمینی و خارجی می شود که جهت گیری سیاست داخلی کشورها در حوزه های مختلف را سامان می بخشد. البته برجسته نمودن نقش منابع بین المللی موثر بر سیاست ها و جهت گیری ها

¹. International Power Sources

به هیچ روی به معنای نادیده گرفتن عوامل داخلی تعیین کننده در کنش کشورها نیست، بلکه تمرکز و توجه ما بیشتر بر نحوه تاثیرگذاری ملموس و تعیین کننده منابع بین المللی بر سیاست داخلی می باشد (زهرانی و فرجی لوحه سرا، ۱۳۹۲: ۱۰۸). در این مسیر، سطوح تحلیل کنت والتز^۱ بسیار راهگشا خواهد بود؛ به گونه ای که او نگاه خود به مسائل سیاست جهانی را در قالب سه سطح خرد یا فردی^۲، میانی یا دولت^۳ و کلان یا نظام بین الملل^۴ مفهوم سازی می نماید (Waltz, 1979:43). هر کدام از این سطوح تحلیل سه گانه امکان خلق یک زاویه دید قابل فهم در تبیین مسائل سیاست جهانی را فراهم می آورد. لذا، ضمن غافل نشدن از نقش عوامل داخلی و سطوح فردی و ملی در شکل گیری سیاست کشورها، تمرکز ما بر سطح تحلیل سوم والتز یعنی نظام بین الملل خواهد بود؛ چرا که اقتضات ناشی از نظام بین الملل موجب می شود تا سیاست داخلی کشورها در حوزه های مختلف دستخوش تغییر و تحولات متعدد گردد. در واقع، عوامل و متغیرهای فراسرزمینی و خارجی به عنوان منابع بین المللی سیاست داخلی موجب می شود تا جهت گیری کشورها متناسب با مقدرات و محذورات خود در مسیرهای خاصی پیکره بندی گردد؛ به گونه ای که موفقیت یا عدم موفقیت برخی از اصلی ترین سیاست های داخلی کشورها به میزان و نحوه تعامل و سازواری با این منابع بین المللی باز می گردد (Moravcsik, 1994:21).

به هر روی، منابع بین المللی قدرت را باید شامل عناصر و مولفه هایی دانست که در سطح فراملی و کلان عمل کرده و جهت گیری عملیاتی و حتی گفتمانی کشورها در سیاست جهانی را پیکره بندی می کند (Ibid:18). این مفهوم بدان معناست که منابع بین المللی قدرت، تمایز سنتی میان حوزه داخلی و خارجی در اعمال اقتدار دولت ها را تا حدود زیادی دستخوش تحول کرده است. به گونه ای که امروزه بسیاری از مسائلی که زمانی جزء بلامنازعه سیاست داخلی و اعمال اقتدار مطلق دولت ها بوده به چالش کشیده شده و از مولفه های بیرونی و خارجی تاثیر می پذیرد (Gourevitch, 1978:894). با این نگاه، ضمن پرهیز از بی توجهی بر عوامل درونی موثر در شکل گیری سیاست داخلی کشورها، تاکید جدی بر نقش عوامل بیرونی معطوف خواهد بود. چرا که نگارندگان معتقد است منابع بین المللی تاثیر قابل توجهی بر گزینش و اجرای

¹. Kenneth Waltz

². Individual level

³. State level

⁴. International system level

سیاست‌های داخلی کشورها به ویژه در حوزه‌های نظامی و امنیتی دارد. در واقع، اصلی‌ترین مواردی که ما از آنها به عنوان منابع بین‌المللی یاد کرده و معتقد هستیم بر جهت‌گیری مسکو در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تاثیر داشته عبارت هستند از: توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی و جهانی شدن که هر کدام از آنها در مباحث آتی و پس از اشاره مختصر به مفاد راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه، تبیین خواهند شد.

تاثیرگذاری بر راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه

راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به‌عنوان آخرین سند رسمی تصویب شده از سوی دولت روسیه در سال ۲۰۰۹ می‌باشد که نگرش مسکو به مسائل مرتبط با امنیت ملی این کشور را مشخص می‌نماید. متن کامل این سند مشتمل بر ۱۱۲ بند است که در شش بخش اصلی؛

۱- وضعیت کلی،

۲- دنیای امروز و روسیه: وضعیت و روندهای تحولات،

۳- منافع ملی فدراسیون روسیه و اولویت‌های راهبردی ملی،

۴- تأمین امنیت ملی (مشتمل بر زیربخش‌های دفاع ملی، امنیت دولتی و اجتماعی، ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان روسیه، رشد اقتصادی، علوم، فنون و آموزش، بهداشت و سلامتی، فرهنگ، اکولوژی محیط‌های زیستی و استفاده منطقی از محیط، ثبات و همکاری راهبردی برابر)،

۵- مبانی سازمانی و حقوق عرفی اجرای این راهبرد،

۶- ویژگی‌های اساسی امنیت ملی (نوری، ۲۰۱۳: ۱۳۹۱).

در بخش اول (بندهای ۱ تا ۷) و به عبارتی مقدماتی این سند ضمن اشاره به گذار روسیه از بحران‌های ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در انتهای هزاره دوم، مروری از مساعی و موفقیت‌های این کشور در عرصه‌های داخلی برای تأمین امنیت ملی در حوزه‌های مختلف به دست داده شده است. در بندهای ابتدایی بخش دوم (بندهای ۸ تا ۲۰) به جهانی شدن و تأثیر آن بر تمامی ابعاد زندگی بشر اشاره و تأکید شده که این فراگرد شرایط متفاوتی را نسبت به گذشته رقم زده و به تبع توسعه نامتوازن ناشی از آن تقابلهایی را میان کشورها انگیخته است. در این بخش ضمن تأکید بر آثار منفی دیدگاه‌های یک‌سویه‌نگر در عرصه بین‌الملل، تقابل قدرت‌های بزرگ در این عرصه،

اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و امکان دستیابی تروریست‌ها به این سلاح‌ها و همچنین اقدامات غیرقانونی در حوزه‌های سایبر و زیست‌محیطی به عنوان تهدیدهایی برای امنیت ملی روسیه دانسته و بر ضرورت تعامل روسیه با سایر کشورها برای رفع این مشکلات تأکید شده است (National Security Strategy of the Russian Federation to 2020, 2009:3).

در بند ۱۱ این راهبرد ضمن تأکید بر اینکه تنش و رقابت در سراسر جهان بر سر منابع طبیعی شدت خواهد گرفت، احتمال توسل به نیروی نظامی برای افزایش بهره‌مندی از این منابع و به تبع آن تغییر موازنه قوا بویژه در مناطق هم‌جوار روسیه از جمله در آسیای مرکزی، حوزه خزر، خاورمیانه و دریای بارنز^۱ تهدیدی بالقوه علیه امنیت ملی روسیه معرفی شده است. با این ملاحظه، در بندهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ بر توسعه و گسترش روابط روسیه با کشورها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا، گروه هشت، گروه ۲۰ و گروه بریکس^۲ (شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) و منطقه‌ای چون سازمان کشورهای هم‌سود^۳، سازمان پیمان امنیت جمعی^۴ و سازمان همکاری شانگهای^۵ تأکید و از همکاری با نهادهای منطقه‌ای در حوزه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به عنوان اولویت یاد شده است. در بخش سوم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ (بندهای ۲۱ تا ۲۴) به منافع کوتاه و بلندمدت روسیه پرداخته و از توسعه دموکراسی و جامعه مدنی، ارتقاء موقعیت رقابتی روسیه در عرصه بین‌الملل، حفظ قانون اساسی، تمامیت ارضی و حاکمیت روسیه به عنوان منافع بلندمدت و از حفظ ثبات راهبردی و تعاملات مشارکت‌جویانه متقابل در جهان متکثر به عنوان راه‌کاری برای تبدیل این کشور به قدرتی بزرگ یاد شده است. در ادامه بر این مهم تأکید شده که برای تأمین امنیت ملی باید منابع و تلاش‌ها بر ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان روس از طریق تضمین امنیت فردی و ارتقاء استانداردهای زندگی متمرکز شود. همچنین رشد اقتصادی، توسعه علمی و فناوری، بهداشتی، فرهنگی، حفظ اکولوژی سیستم‌های زیستی، استفاده منطقی از محیط و همچنین حفظ ثبات

^۱. Barents Sea

^۲. BRICS

^۳. Commonwealth of Independent States(CIS)

^۴. Collective Security Treaty Organizatio(CSTO)

^۵. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

راهبردی و همکاری راهبردی برابر با سایر کشورها از جمله دیگر منافع ملی روسیه است که در این بخش بر آنها تأکید شده است (National Security Strategy ... 2020,2009:6).

در بخش چهارم این سند (بندهای ۲۵ تا ۹۶) که مفصل‌ترین بخش آن نیز محسوب می‌شود طی ۹ زیربخش به راه‌کارهای مختلف تأمین امنیت ملی پرداخته شده است. در زیربخش اول زیر عنوان «دفاع ملی» ضمن تأکید بر تدبیر راه‌کارهایی برای ممانعت از بروز جنگ و تنش در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای، بر تقویت بنیه دفاعی روسیه از طریق حفظ و افزایش توانمندی‌های اتمی راهبردی از جمله موشک‌های قاره‌پیمای مجهز به کلاهک‌های هسته‌ای، بمب‌افکن‌های دورپرواز راهبردی و زیردریایی‌های اتمی به عنوان نیروهای بازدارنده و همچنین اصلاح و تقویت ساختار فرماندهی و مدیریت نیروهای نظامی، تقویت نیروهای مسلح و تأمین بودجه برای تجهیز آنها به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها برای ارتقاء آمادگی آنها جهت دفع هرگونه حمله خارجی و تهدیدهای نظامی از جمله از سوی تروریست‌ها به عنوان اصلی مهم در راستای تحکیم امنیت ملی در میان‌مدت مورد تأکید قرار گرفته است. در زیر بخش چهارم (بندهای ۵۳ تا ۶۵) زیر عنوان «رشد اقتصادی» بر ضرورت ورود روسیه به جمع پنج کشور برتر اقتصادی جهان از نظر تولید ناخالص ملی در میان‌مدت تأکید و از این مسئله به عنوان هدفی راهبردی یاد و تحقق آن از طریق «توسعه و نوسازی فناوری‌های ملی» مقدور دانسته شده است. افزون بر این، در این قسمت از استمرار الگو اقتصادی «وابسته به صادرات مواد خام» به عنوان خطری مهم یاد و بر جلوگیری از استفاده بی‌رویه از محصولات غذایی تغییررژنتیکی یافته، مقابله با پیامدهای اکولوژیکی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و حراست از محیط زیست نیز تأکید شده است (نوری، ۱۳۹۱:۴). به هر روی، در بخش پنجم این سند (بندهای ۹۷ تا ۱۱۱) زیر عنوان «مبانی سازمانی و حقوق عرفی اجرای این راهبرد» بر این نکته تأکید شده که سیاست دولت روسیه در بعد امنیتی با اقدامات هماهنگ تمام اجزاء سیستم تأمین امنیت ملی میسور می‌شود که در این میان وظیفه شورای امنیت ملی^۱ ایجاد هماهنگی بین این فعالیت‌ها و اقدامات است. همچنین در بخش ششم و نهمی این سند (بند ۱۱۲) شاخص‌های مورد استفاده برای ارزیابی وضعیت امنیت ملی عبارت از نرخ بیکاری (درصد از جمعیت فعال جامعه)، ضریب بهره‌مندی (میزان درآمد دهک‌های پائین و بالای

^۱. National Security Council

جامعه)، نرخ رشد قیمت برای مصرف‌کننده، سهم داخلی و خارجی دولت به صورت درصد از میزان تولید ناخالص داخلی، میزان منابع اختصاص داده شده برای تأمین بهداشت و سلامت، فرهنگ، آموزش و علوم به صورت درصد از تولید ناخالص داخلی، سطح سالانه نوسازی تسلیحات و فناوری‌های نظامی و تخصصی و سطح تأمین کارکنان نظامی و فنی - مهندسی دانسته و تأکید شده که این شاخص‌های با ارزیابی‌های مجدد می‌تواند تدقیق شوند (National Security Strategy ...2020,2009:17). در واقع، راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تلاشی بوده است تا نگاه فدراسیون روسیه به شرایط حال و آینده این کشور در مواجهه با مخاطرات نظامی - امنیتی را تشریح نموده و برداشت این کشور از تهدیدهای موجود را نمایان سازد. از این‌رو، بررسی و مذاقه در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ موجب خواهد شد تا از یک سو رویکرد نظامی - امنیتی مسکو مشخص گردیده و از سوی دیگر امکان تجزیه و تحلیل تهدیدها و فرصت‌های پیش روی این کشور در مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبیین گردد؛ امری که در جای جای راهبرد مزبور می‌توان جهت‌گیری‌های مختلف فدراسیون روسیه را در قبال آن مشاهده نمود.

منابع بین‌المللی و راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه

همانگونه که اشاره گردید، منابع بین‌المللی قدرت به انحاء مختلف بر جهت‌گیری فدراسیون روسیه در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تأثیرگذار بوده‌اند. این مسئله از آن جهت اهمیت مضاعف می‌یابد که مسکو تلاش دارد تا خود را به عنوان یک بازیگر مهم در جهان پساشوروی معرفی نماید. در این راستا، هدف سیاست خارجی و امنیتی فدراسیون روسیه، تحقق راهبرد «قدرت بزرگ مدرن هنجارمند^۱» یا به‌طور مختصر تحقق «قدرت بزرگ روسیه» است (سجادپور و جهانبخش، ۱۳۹۲: ۳۳). در این مسیر، فدراسیون روسیه کوشیده است تا خود را به‌عنوان یکی از مبادی مهم نفوذ و تأثیرگذاری در تحولات منطقه‌ای و بعضاً جهانی مطرح نماید. در واقع، تلاش فدراسیون روسیه برای احیای قدرت تاریخی خود، موجب گردیده تا میان مسکو و منابع بین‌المللی قدرت در ابعاد مختلفی اختلاف دیدگاه و رویکرد پیش آمده و

^۱. Normalized Modern Great Power

استراتژی دوگانه همراهی و تقابل با این منابع را در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ مدنظر قرار گیرد.

به هر روی، نیاز است تا ابعاد مختلف اثرگذاری منابع بین المللی بر تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه واکاوی و تبیین گردد. در این مسیر، می توان اذعان داشت که تغییر و تحول در منابع بین المللی قدرت به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ابعاد مختلفی موجب اثرگذاری بر سیاست های نظامی - امنیتی کشورهای مختلف از جمله فدراسیون روسیه شده است (Allison & Others, 2011:34). این دگرگونی در منابع بین المللی قدرت از یک طرف موجب همراهی و تعامل فدراسیون روسیه گردیده و از طرف دیگر مسکو را بر آن داشته تا در مسائل مختلف منطقه ای و فرامنطقه ای به چالش با این منابع قدرت پرداخته و با آنها تقابل نماید. مع الوصف، منابع بین المللی قدرت از ابعاد مختلفی بر تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تاثیر نهاده و فدراسیون روسیه را بر آن داشته تا فرصت ها و تهدیدهای ناشی از این منابع را مدنظر قرار داده و برای همراهی یا تقابل با آن، جهت گیری های خاصی را در پیش گیرد. در واقع، بدون غفلت از منابع داخلی و ملی موثر بر جهت گیری های مسکو در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، نگارندگان معتقد هستند که اقتضائات برآمده از منابع بین المللی قدرت به عنوان یک مولفه بسیار مهم مورد توجه فدراسیون روسیه بوده و در این مسیر تلاش گردیده تا استراتژی دوگانه تقابل و همراهی با این منابع قدرت مورد توجه و دقت نظر جدی مقامات و دست اندرکاران تهیه و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ این کشور قرار گیرد.

توزیع قدرت ناشی از نظام بین الملل

بدون تردید یکی از اصلی ترین و مهم ترین منابع بین المللی که بر گزینش و اجرای سیاست داخلی دولت ها تاثیر شگرفی داشته را باید در توزیع قدرت ناشی از نظام بین الملل^۱ و اقتضائات برآمده از آن جستجو کرد. فشار و الزامات برآمده از نظام بین الملل موجب می شود تا سیاست گذاری و جهت گیری دولت ها در مسیر همراهی، تقابل و یا بعضا بی تفاوتی نسبت به آن صورت بندی گردد. از این رو، نظام بین الملل با تولید الزاماتی خاص موجب اندرکنش مشخصی برای دولت ها می شود. به گونه ای که می توان اذعان داشت که دو بعد مهم

^۱. International System (IS)

از نظام بین‌الملل در این مسیر بسیار تعیین‌کننده بوده‌اند؛ این دو بعد عبارت هستند از تقسیم قدرت میان دولت‌ها یا همان نظام بین‌المللی دولت‌ها و تقسیم دارایی‌های اقتصادی یا همان اقتصاد بین‌المللی که می‌توان آنها را بصورت مختصر متجلی در دو عنصر جنگ و تجارت^۱ دانست (Gourevitch, 1978:883). در واقع، نظام بین‌الملل با تحمیل هنجارها و کارویژه‌های خاصی در حوزه‌های نظامی‌گری و اقتصاد جهانی موجب اندرکنش مشخصی در رفتار دولت‌ها می‌شود. این مسئله به انحاء مختلف بر فدراسیون روسیه در جهان پسا شوروی تاثیر گذاشته است. به‌گونه‌ای که مسکو در مسیر دوگانه تقابل و همراهی با اقتضانات نظام بین‌الملل جدید قرار گرفته است. در این راستا، اثرگذاری توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل به‌عنوان یکی از منابع اصلی قدرت بین‌المللی بر راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه را می‌توان در قالب دو عنصر مهم نظامی‌گری و جنگ و اقتصاد محوری و تجارت بررسی و تجزیه و تحلیل نمود. این تفکیک از آن جهت شایان توجه است که دو مسئله جنگ و تجارت به‌عنوان عناصر جدایی‌ناپذیر توزیع قدرت جهانی بوده و به رغم تحولات روی داده در منابع بین‌المللی قدرت در جهان پسا شوروی، همچنان بیشترین اثرگذاری را بر اتخاذ سیاست‌های نظامی-امنیتی فدراسیون روسیه خواهد داشت.

۱- نظامی‌گری و جنگ

راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به‌عنوان یک سند رسمی منتشر شده از سوی دولت فدراسیون روسیه شامل ابعاد مختلف رویکردها و ذهنیت‌های این کشور در قبال مسائل نظامی^۲ و امور مربوط به جنگ می‌باشد. اصلی‌ترین ابعاد این مسئله را می‌توان در قبال یک‌جانبه‌گرایی زورگویانه^۳ آمریکا در روابط بین‌الملل، اختلاف^۴ میان بازیگران اصلی سیاست جهانی، خطر گسترش سلاح‌های کشتار جمعی^۵ و دستیابی تروریست‌ها به آن، گسترش ناتو به شرق، سیستم سراسری دفاع ضد موشکی^۶ آمریکا در اروپا و دستیابی کشورهای جدید به سلاح هسته‌ای مورد توجه قرار داد (National Security Strategy ... 2020, 2009:4). در واقع،

¹. War & Trade

². Military issues

³. Onesided use of force

⁴. Disagreement

⁵. Proliferation of Weapons of Mass Destruction

⁶. Missile Defense System

راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، موارد مزبور را به عنوان تهدیدهای بین‌المللی امنیت ملی فدراسیون روسیه مورد توجه قرار داده است. از این‌رو، شایان توجه است که بخش اعظمی از بدبینی فدراسیون روسیه به توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل کنونی به‌واسطه یک‌جانبه‌گرایی آمریکا بوده و مسکو از این رویه بسیار ناخشنود بوده است. تقابل و رقابت فدراسیون روسیه با آمریکا به‌ویژه در مناطقی مثل قفقاز جنوبی سبب شده است تا راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز رویکرد تقابلی با الگوی نظام بین‌الملل آمریکایی داشته باشد. از این جهت، آمریکا به افزایش نفوذ خود در قفقاز می‌پردازد و از موج گسترش ناتو به شرق و بستن پیمان‌های همکاری برای صلح در چارچوب آن پیمان حمایت می‌کند. لذا، روسیه نیز به تدریج و با تحکیم موقعیت خود سعی در ایجاد نفوذ در منطقه اوراسیا داشته و این یعنی که روس‌ها در این منطقه به دوران شوروی می‌اندیشند (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۰: ۹). در واقع، فدراسیون روسیه به حضور و توسعه نفوذ آمریکا در مناطقی مثل قفقاز جنوبی به‌عنوان یک تهدید امنیتی عاجل^۱ نگریسته و در پی تقابل با آن می‌باشد. از این‌رو، توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل کنونی به‌واسطه تسلط و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و نمایش نظامی‌گری^۲ این کشور، مورد انتقاد جدی فدراسیون روسیه می‌باشد. این مسئله در بند سی‌ام راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ با اشاره به اقدامات آمریکا اینگونه تصریح شده است که سیاست برخی از قدرت‌های اصلی در جهت دستیابی به برتری نظامی، استقرار سیستم دفاع ضد موشکی و نظامی کردن فضا^۳، امنیت نظامی فدراسیون روسیه را تهدید می‌نماید (National Security Strategy ... 2020,2009:7).

در ادامه نگاه تهدیدمحور فدراسیون روسیه به توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، می‌توان به جهت‌گیری این کشور در قبال سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۴ اشاره کرد. در واقع، فدراسیون روسیه گسترش ناتو را نوعی تهدید علیه امنیت ملی خود دانسته و آن را در راستای کاهش اقتدار این کشور در سطح بین‌المللی از بین بردن مناطق حائلی و بی‌توجهی به این کشور بزرگ می‌داند (حق‌شناس و باویر، ۱۳۸۸: ۱۳). در این راستا، در بند هفدهم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که برنامه‌های ناتو در انتقال

¹. Immediate Security Threat

². Militarism

³. Militarising Space

⁴. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

زیرساخت‌های نظامی^۱ این پیمان به سوی مرزهای فدراسیون روسیه و تلاش برای تسری بخشیدن سراسری به ناتو در منطقه امری خلاف موازین حقوق بین‌الملل بوده و مسکو آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود میدانند (National Security Strategy ... 2020, 2009:5). به هر حال، فدراسیون روسیه توسعه و گسترش حضور ناتو را در چهارچوب علایق نظامی‌گری و جنگ برخاسته از توزیع قدرت در الگوی نظام بین‌المللی کنونی آمریکایی دانسته و تلاش داشته است تا در جهت‌گیری‌های خود در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ آن را لحاظ نماید. در واقع، فدراسیون روسیه بر این باور است که آمریکا پس از برداشتن گام اول یعنی حضور نظامی، سعی دارد تا در مرحله بعدی در مسایل منطقه‌ای نقش‌آفرینی نموده و از این طریق حضور و جایگاه خود در ترتیبات نظامی-امنیتی منطقه را تداوم بخشیده و ساختارهای نظامی و دفاعی کشورهای منطقه را از سیستم شرقی^۲ و وابسته به فدراسیون روسیه به سیستم غربی^۳ تبدیل نماید (شفیعی و صفری، ۱۳۹۱:۱۸۵). بنابراین، فدراسیون روسیه در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ آنجایی که منابع بین‌المللی قدرت را از منظر توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل می‌نگرد به انتقاد از رویکردهای نظامی‌گرایانه و جنگ محور آمریکا پرداخته و آن را عاملی در تهدید امنیت خود می‌داند. در واقع، می‌توان ادعا نمود از آنجایی که راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ پس از جنگ سال ۲۰۰۸ فدراسیون روسیه و گرجستان^۴ تدوین گردیده و این کشور دخالت‌های آمریکا و اروپا را از نزدیک لمس کرده به تحرکات غرب در مناطق تحت نفوذ خود بدبین گردیده است (Ozdamar, 2010: 14). لذا، مسکو نسبت به نظامی‌گری و جنگ برآمده از توزیع قدرت ناشی از الگوی نظام بین‌الملل کنونی آمریکایی بدبین بوده و نسبت به آن رویکرد تقابلی داشته است.

۲- اقتصاد و تجارت بین‌المللی

فدراسیون روسیه در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ برآن بوده است تا حوزه‌های دوگانه‌ای از تقابل و همراهی با منابع بین‌المللی قدرت را در پیش گیرد. این مسئله در خصوص توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل به‌عنوان اصلی‌ترین منبع بین‌المللی قدرت

^۱. Military Infrastructure

^۲. Eastern System

^۳. Western System

^۴. Georgia

نیز قابل توجه می‌باشد. به‌گونه‌ای که مسکو به نظامی‌گری و جنگ نهفته در دل توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل کنونی بدبین بوده و به تقابل با آن همت گمارده است، اما آنجایی که این نظام می‌تواند به رونق اقتصاد و تجارت بین‌المللی بیانجامد، نسبت به آن خوش‌بین بوده و استراتژی همراهی و تعامل را در پیش گرفته است. بر این اساس، می‌توان تصریح نمود که فدراسیون روسیه در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به اقتصاد و تجارت بین‌المللی به عنوان یک فرصت ارزشمند نگریده که می‌تواند توسعه و رونق اقتصادی پایدار برای این کشور را به دنبال داشته باشد. از این رو، مذاقه و دقت نظر به راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ در این باره می‌تواند ارتباط و اتصال سیاست‌های نظامی - امنیتی مسکو با اقتصاد بین‌المللی و تأثیر این مولفه مهم بر آن را به وضوح مشخص نماید. چرا که بخش قابل توجهی از آرمان‌ها و رویکردهای مطرح شده در این راهبرد همانند سیاست‌های نظامی - امنیتی^۱ پیشین فدراسیون روسیه به توانمندی اقتصادی و تجاری این کشور در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گره خورده است.

با این وجود، راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، نسبت به اقتصاد و تجارت بین‌المللی به عنوان یک عنصر کلیدی برآمده از توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل به‌مثابه فرصتی نگریده که می‌تواند به شکوفایی اقتصادی فدراسیون روسیه کمک نماید. در واقع، بخش اعظمی از اصلاحات اقتصادی^۲ انجام شده در فدراسیون روسیه در غالب سرمایه‌گذاری‌ها کامل شده و کارایی اقتصادی به اصلی‌ترین مشخصه نخبگان^۳ جدید این کشور بعد از شوروی تبدیل شده است (Nygren & others, 2005: 257). از این رو، مسایل اقتصادی و موفقیت در این حوزه جزء بسیار مهم سیاست‌گذاری‌های مسکو می‌باشد. به‌گونه‌ای که در بند پنجاه و سوم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که ورود فدراسیون روسیه در میان مدت به ترکیب پنج کشور برتر جهان از نظر اقتصادی جزء اهداف راهبردی تأمین امنیت ملی این کشور می‌باشد. با این وصف، به نظر می‌رسد رونق اقتصاد و تجارت بین‌المللی مسکو با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌عنوان یک هدف بسیار مهم در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ بوده است؛ چرا که فدراسیون روسیه این راهبرد را پس از تجربه بحران اقتصادی^۴ جهانی در سال ۲۰۰۸ تدوین کرده است. اگرچه فدراسیون روسیه به عواقب وخیم بحران اقتصادی

1. Military- Security Policy

2. Economic Reform

3. Russian Elites

4. Economic Crisis

جهانی مبتلا نشد، اما سایر کشورهای مستقل شده از اتحاد جماهیر شوروی خصوصا کشورهای حوزه بالتیک و قفقاز^۱ دچار مشکلات اقتصادی- اجتماعی جدی شدند که مسکو توانست با توجه به ذخیره مالی مناسب و یک رشته اقدامات مهار بحران، نفوذ سیاسی- اقتصادی فدراسیون روسیه را در حوزه کشورهای همسود گسترش داده و با دستیابی به سهام عمده چندین شرکت بزرگ انرژی، انحصار خود در بازار انرژی منطقه را تقویت نماید(عطایی و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۲:۱۰۱). لذا، فدراسیون روسیه راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ را با تجربه بحران اقتصادی جهانی پشت سر گذاشته شده تدوین کرده و برآن بوده است تا اقتصاد و تجارت بین‌المللی را به‌عنوان یکی ابزار بسیار مهم در توسعه اثرگذاری و نفوذ منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خود در نظر گرفته و از این طریق به اهداف تدوین راهبرد مزبور نزدیک شود.

نکته بسیار مهم دیگر پیرامون توجه به اقتصاد و تجارت بین‌المللی در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به نقش برجسته سیاست انرژی^۲ برای فدراسیون روسیه و اهداف نظامی- امنیتی آن باز می‌گردد؛ چرا که مسکو به‌عنوان یکی از بزرگترین صادر کنندگان نفت و گاز در سطح بین‌المللی بوده و امنیت و ثبات در این بازار مستقیماً بر شرایط اقتصادی و به تبع آن امنیت ملی آن تاثیرگذار خواهد بود(Gorenburg, 2014:46).

از این‌رو، در بند شصتم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، پیرامون اهمیت سیاست انرژی برای فدراسیون روسیه تصریح گردیده است که امنیت انرژی یکی از اصلی‌ترین جهات تامین امنیت ملی در زمینه اقتصاد در درازمدت خواهد بود. تعامل چندجانبه^۳ در جهت ایجاد بازارهای منابع انرژی که پاسخگوی اصول سازمان تجارت جهانی^۴ باشد، تنظیم و تبادل بین‌المللی چشم‌اندازهای صرفه جویی انرژی و همچنین استفاده از منابع جایگزین از جمله شرایط لازم برای تامین امنیت انرژی ملی و جهانی می‌باشد(National Security Strategy ... 2020,2009:12). بنابراین، توجه به سیاست انرژی و تامین امنیت بازار جهانی آن در جهت‌گیری‌های فدراسیون روسیه در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ بسیار موثر بوده است. از این‌رو، می‌توان ادعا کرد که فدراسیون روسیه در راهبرد مزبور نسبت به توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل در بخش اقتصاد و تجارت جهانی، رویکرد تعاملی و همراهانه داشته و برآن بوده است تا از

1. Baltic and Caucasus

2. Energy Policy

3. Multilateral Cooperation

4. WTO

ظرفیت‌های تجارت جهانی برای بهبود سطح رفاه و توسعه اقتصادی جامعه خود بهره‌گیرند. البته شایان ذکر است که مسکو در بخش تجارت و اقتصاد جهانی نیز نسبت به الگوهای یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا معترض بوده و تلاش دارد تا با چندقطبی شدن تجارت جهانی مانع از این امر گردد؛ چرا که به نظر می‌رسد میان روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین وارث شوروی سابق و آمریکا رقابت‌های تسلیحاتی و تلاش برای گسترش دایره نفوذ در محیط بین‌المللی برای یارگیری بار دیگر احیاء گردیده است و نزدیکی به چین، آلمان، هند، ایران و اعراب، افزایش فروش تسلیحات به کشورهای جهان سوم و ... بیانگر تلاش فدراسیون روسیه برای مقابله با اقدامات آمریکا علیه امنیت ملی این کشور است (نصرالهی، ۱۳۹۰: ۲۵۵). به هر روی، قابل توجه است که راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، نگاه دوگانه فدراسیون روسیه به توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل را نشان داده و حاکی از این مطلب است که مسکو به رغم تهدیدآمیز خواندن منابع بین‌المللی قدرت از زمینه‌های همکاری غافل نشده است.

سازمان‌های بین‌المللی

یکی از عوامل بسیار مهم که بر سیاست داخلی کشورها تاثیر گذاشته و بعضاً آنها را با خود همراه می‌کند به نقش سازمان‌های بین‌المللی باز می‌گردد. به‌گونه‌ای این سازمان‌ها با خلق هنجارها و موازین فراگیر و جهانی موجب تحت تاثیر قرار گرفتن حاکمیت داخلی کشورها می‌شوند. در واقع، سازمان‌های بین‌المللی در موارد بسیاری تلاش داشته‌اند تا دولت‌های ملی را قانع کنند که از سیاست‌های یک‌جانبه دوری کرده و زمینه‌های همکاری بین‌المللی را شکوفا نمایند (Fang & W.Stone, 2012:8). البته نباید از این نکته غافل شد که روش سازمان‌های بین‌المللی برای تحت تاثیر قرار دادن سیاست داخلی کشورها همیشه هم مبتنی بر اقناع و مذاکره نبوده، بلکه در موارد قابل توجهی به فشار، تهدید و حتی دخالت نظامی ختم گردیده است. به هر روی، نقش سازمان‌های بین‌المللی در اثرگذاری بر سیاست داخلی کشورها به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت بر کسی پوشیده نبوده و این موضوع موجب همراهی و بعضاً تقابل دولت‌ها گردیده است. در این راستا، می‌توان تصریح کرد که سیاست‌های نظامی-امنیتی به‌عنوان نمود عینی مقدمات و محذورات کشورها، نقش قابل توجهی در بررسی نحوه تاثیرگذاری سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت دارد. در واقع، جهت‌گیری سیاست‌های نظامی-امنیتی اعلامی و اعمالی کشورها در قبال سازمان‌های

بین‌المللی موید نوع نگاه و رابطه مسالمت جویانه یا خصمانه کشورها به این سازمان‌ها می‌باشد (J.Alter, 2000:493). از این‌رو، بررسی جهت‌گیری راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ در قبال سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند میزان تاثیرپذیری فدراسیون روسیه از اقتضانات ناشی از این سازمان‌ها به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت را مشخص نموده و ابعاد آن را نمایان سازد. لذا، باید تصریح نمود که سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، سازمان همکاری شانگهای و سازمان کشورهای مستقل همسود تاثیر قابل توجهی در اتخاذ جهت‌گیری‌ها و تاکتیک‌های فدراسیون روسیه در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ داشته‌اند. در واقع، سازمان‌های مزبور به‌عنوان بخشی از منابع بین‌المللی قدرت، آثار محسوسی بر نگاه نظامی-امنیتی حاکم بر کرملین داشته‌اند و این مهم سبب گردیده تا در تدوین متن راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز این سازمان‌ها مورد توجه قرار گرفته و جهت‌گیری فدراسیون روسیه در قبال آنها مشخص گردد. به هر روی، تاثیرگذاری سازمان‌های مزبور بر راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه به شرح زیر قابل توجه خواهد بود.

۱- سازمان ملل متحد

فدراسیون روسیه به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، همواره بر آن بوده است تا جایگاه سازمان ملل متحد تقویت گردیده و از این طریق یک‌جانبه‌گرایی کشورهایمانند آمریکا محدود گردد. در واقع، مسکو در دوران پساشوروی به این نتیجه رسیده است که سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از منابع مهم قدرت بین‌المللی بوده و از این طریق می‌تواند به اهداف خود نزدیک‌تر شود. به هر روی، اگرچه روسیه جدید بسیار متفاوت از اتحاد شوروی بوده، اما تحولات فکری، عملی و فنی سالیان اخیر به تغییر و تحول در تفکر نظامی-امنیتی کرملین نیز منجر شده است (کرمی: ۱۳۸۹: ۵۲) که این موضوع در جهت‌گیری‌های راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز قابل رویت می‌باشد. به‌گونه‌ای که این تحولات منجر به اتخاذ رویکرد تعاملی و سازنده فدراسیون روسیه نسبت به سازمان ملل متحد شده است. تا جایی که در بند سیزدهم این راهبرد تصریح شده است که فدراسیون روسیه سازمان ملل متحد و شورای امنیت را به عنوان عنصر مرکزی^۱ در ایجاد یک سیستم روابط بین‌المللی پایدار در نظر گرفته و معتقد است

^۱ Central Element

ایجاد برابری و احترام میان ملت‌ها و حل و فصل بحران‌های جهانی و منطقه‌ای از این طریق امکان‌پذیر خواهد بود (National Security Strategy ... 2020, 2009:5). در واقع، می‌توان تصریح نمود که دو بال اصلی در سیاست‌های نظامی-امنیتی فدراسیون روسیه به عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد و بازدارندگی هسته‌ای مربوط می‌شود و توجه به این مسئله در مفاد اصلی راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به وضوح قابل تشخیص خواهد بود؛ به گونه‌ای که در این راهبرد تلاش شده است تا نقش سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از منابع اصلی قدرت بین‌المللی در نظر گرفته شده و از این طریق مسکو به تحصیل منافع خود بپردازد. با این وصف، فدراسیون روسیه به سازمان ملل متحد نگاه مثبتی داشته و این مسئله را در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز مدنظر قرار داده است تا پیوستگی و ارتباط موثر با این سازمان به‌عنوان یکی از عناصر مهم و کلیدی در سیاست‌های نظامی-امنیتی مسکو تلقی گردد (Hedenskog & Pallin, 2013:78).

در این راستا، رویکرد تعاملی و سازنده فدراسیون روسیه در قبال سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت در بندهای نود و چهارم و نود و پنجم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز قابل توجه می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که تصریح گردیده که مسکو نسبت به تقویت سازمان ملل متحد و رعایت مفاد مندرج در منشور آن حساس بوده و برای اجرایی شدن آن تلاش کرده و تحرکات و اقدامات سیاسی و نظامی خارج از ساختار این سازمان را محکوم خواهد نمود (National Security Strategy ... 2020, 2009:17). به هر روی، فدراسیون روسیه در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، نگاه تعاملی و خوشبینانه‌ای به سازمان ملل متحد داشته و به‌نظر می‌رسد این موضوع موجب اثرگذاری سازنده سازمان ملل به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت بر جهت‌گیری‌های این راهبرد شده است.

۲- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

استراتژی دوگانه تقابل و همراهی فدراسیون روسیه با سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت در جهت‌گیری این کشور در قبال سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۱ در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ قابل توجه می‌باشد. به‌گونه‌ای که می‌توان اذعان داشت که مسکو برعکس خوش‌بینی به سازمان ملل متحد و سازوکارهای آن در حفظ امنیت

^۱.North Atlantic Treaty Organization(NATO)

جهانی، نسبت به ناتو و جهت‌گیری‌های نظامی و امنیتی آن بسیار حساس بوده و آن را عاملی در بهم خوردن موازنه استراتژیک^۱ خود در قبال غرب می‌داند. این مسئله موجب شده است تا فدراسیون روسیه ضمن تقابل با اروپا و آمریکا در این زمینه به یک سیاست خارجی هجومی^۲ روی آورد. رفتار هجومی که دلیل اصلی آن را باید در احساس خطر در مرزهای اروپایی فدراسیون روسیه و به بیان روشن‌تر، به مخاطره افتادن موازنه استراتژیک این کشور دانست (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۱). از این‌رو، فدراسیون روسیه در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نسبت به ناتو و سیاست‌های آن رویکرد تقابل و تهدیدمحور را در دستور کار قرار داده است. در این راستا، در بند هشتم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که معماری موجود امنیت جهانی و منطقه‌ای از سوی ناتو تنها به منافع این پیمان کمک کرده و در عمل امنیت بین‌المللی را با تهدید مواجه کرده است. در ادامه نگاه انتقادی به ناتو در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، در بند هفدهم نیز تصریح شده است که برنامه‌های ناتو در انتقال زیرساخت‌های نظامی^۳ این پیمان به سوی مرزهای فدراسیون روسیه و تلاش برای تسری بخشیدن سراسری به پیمان ناتو و گسترش آن در منطقه امری خلاف موازین حقوق بین‌الملل^۴ بوده و مسکو آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود میداند (National Security Strategy ... 2020, 2009: 4-5). به هر روی، شایان توجه است که فدراسیون روسیه تحرکات نظامی ناتو در شرق را تهدیدی علیه امنیت ملی و تمامیت سرزمینی خود دانسته و با انتقاد به آن در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، بر آن بوده است تا از یک طرف نارضایتی خود از اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا و متحدانش را نشان داده و از طرف دیگر بر جدیت خود برای مقابله با آن اصرار ورزد.

با این وجود، می‌توان تصریح نمود که تحرکات پیمان ناتو در شرق به عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت مورد توجه و دقت‌نظر جدی فدراسیون روسیه در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ بوده است. چرا که این کشور بر این باور است که سیاست‌های نظامی زورمندانه آمریکا و متحدانش در ناتو موجب خواهد شد تا این سازمان هرچه بیشتر در حوزه‌های نفوذ دیرینه مسکو نقش‌آفرینی کرده و در درازمدت ضمن از بین بردن نفوذ این کشور در منطقه موجب تهدید امنیت ملی و تمامیت سرزمینی فدراسیون روسیه گردد (Adomeit, 2007: 29).

¹. Strategic Balance

². Offensive Foreign Policy

³. Military Infrastructure

⁴. International law

از این رو، تردیدی نیست که فدراسیون روسیه در قبال ناتو و مخاطرات نظامی- امنیتی آن در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، رویکردی تقابلی داشته و در پی کاهش نفوذ این پیمان در مرزهای خود می‌باشد. البته شایان ذکر است که به اعتقاد نگارندگان به جهت این که مسکو استراتژی دوگانه تقابل و همراهی با منابع بین‌المللی قدرت را در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ دنبال کرده است، در عین رویکرد تهدیدآمیز و تقابلی از فرصت‌های همکاری با پیمان ناتو نیز غافل نشده است. در این راستا در بند هفدهم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که فدراسیون روسیه آمادگی دارد تا اگر پیمان ناتو منافع قانونی این کشور را مورد توجه قرار داده و به آن احترام گذارد با این سازمان همکاری نماید (National Security Strategy ...2020,2009:5). لذا، واضح است که فدراسیون روسیه استراتژی دوگانه تقابل و همراهی با ناتو را به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ مورد توجه قرار داده است.

۳- سازمان همکاری شانگهای و سازمان کشورهای مستقل همسود

از جمله سازمان‌های تاثیرگذاری که به‌عنوان منابع بین‌المللی قدرت مورد توجه فدراسیون روسیه در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ بوده‌اند، می‌توان به سازمان همکاری شانگهای و سازمان کشورهای مستقل همسود اشاره کرد. این توجه و دقت نظر از آن جهت قابل توجه می‌باشد که فدراسیون روسیه با دنبال کردن استراتژی توازن قوا^۱ در صدد ایجاد قطب جدید در مقابل ایالات متحده بوده و ضمن رد نظام تک قطبی، ایده نظام چند قطبی را به عنوان هدف مطلوب سیاست خارجی خود اعلام کرده و با تقویت نقش آفرینی و اثرگذاری جدی خود در سازمان‌های همکاری شانگهای و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و مطرح کردن محور چین، روسیه و هند به دنبال تحقق این مهم می‌باشد (کولایی و مرادی، ۱۳۸۹: ۲۱۷). بنابراین، فدراسیون روسیه تقویت سازمان‌های شانگهای و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را به‌عنوان یک فرصت مهم در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تلقی کرده که می‌تواند منافع نظامی- امنیتی این کشور را تامین نموده و در مقابل یکجانبه‌گرایی زورمندانه آمریکا و متحدانش در قالب پیمان ناتو موازنه ایجاد کرده و عرصه‌های نفوذ دیرینه مسکو در منطقه را تداوم بخشد (Kramer, 2008:12). از این رو در اهمیت سازمان‌های مزبور برای فدراسیون

¹. The Balance of Power Strategy

روسیه در بند سیزدهم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که مسکو توسعه روابط با کشورهای همسود را جزء اولویت‌های سیاست خارجی خود دانسته و بر آن همت خواهد گماشت. همچنین در بند پانزدهم راهبرد مزبور تصریح شده است که تحکیم ظرفیت سیاسی سازمان همکاری شانگهای و تشویق اقدامات عملی در چارچوب این سازمان که به تحکیم اعتماد متقابل و همکاری در منطقه آسیای مرکزی^۱ مساعدت نماید، برای فدراسیون روسیه حائز اهمیت خاصی خواهد بود (National Security Strategy ... 2020,2009:5).

به هر روی، بررسی راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه حاکی از آن است که سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نقش بسیار مهمی در سیاست‌های نظامی-امنیتی مسکو داشته و این کشور تلاش داشته است تا از طریق سازمان‌های مزبور بر فشار ناشی از ناتو و آمریکا فائق آید. در واقع، بدبینی و تقابل فدراسیون روسیه با ناتو از طریق موارد دیگری مثل توجه به سازمان‌های مزبور مرتفع گردیده است. این رویکرد حاکی از آن است که نگاه امنیتی حاکم بر راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، بر آن بوده است تا از تمامی ظرفیت‌های موجود برای تامین امنیت فدراسیون روسیه بهره‌گیرد. از این رو، نگارندگان معتقد هستند که استراتژی دوگانه تقابل و همراهی با منابع بین‌المللی قدرت در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه در توجه و دقت نظر به سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع بین‌المللی قدرت به وضوح قابل تشخیص می‌باشد. به‌گونه‌ای که مسکو به ناتو و جهت‌گیری‌های نظامی آن در منطقه بسیار حساس بوده و در صدد تقابل با آن برآمده است در حالی که نسبت به سازمان ملل و ظرفیت سازمان‌هایی مثل سازمان همکاری شانگهای و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بسیار خوش‌بین بوده و در صدد حداکثر تعامل و همراهی با آنان بوده است. این جهت‌گیری حاکی از آن است که منابع بین‌المللی قدرت بر سیاست‌های نظامی-امنیتی مسکو تاثیر محسوسی داشته و فدراسیون روسیه را مجبور به این کرده است تا اقتضائات ناشی از سازمان‌های بین‌المللی را در نظر گرفته و بر آن متمرکز گردد. به هر حال، سازمان‌های بین‌المللی و در راس آن سازمان ملل متحد، جایگاه بسیار مهمی در رویکردهای نظامی-امنیتی فدراسیون روسیه در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ داشته‌اند.

^۱. Central Asia

جهانی شدن

از موارد بسیار مهم در عرصه سیاست جهانی در دوران حاضر که می‌توان از آن به عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت نام برد به پدیده جهانی‌شدن^۱ و ابعاد مختلف آن مربوط می‌شود. در واقع، جهانی‌شدن فرایندی است که در آن دنیا فشرده شده و افزایش آگاهی‌ها منجر به این باور می‌شود که جهان یک کل واحد است (Robertson, 1992:8). این فرآیند بدون تردید دولت‌ها را به شیوه‌های متفاوتی به چالش می‌طلبد و حاکمیت ارضی به واسطه مسایل متعددی محو گردیده و باعث تضعیف ظرفیت آن شده و توانایی دولت‌ها جهت کنترل و حراست از سرزمین و مردمش کاهش یافته است (جلیوند، ۱۳۸۸:۱۶۰). بر این اساس، باید تاکید نمود که فدراسیون روسیه به‌عنوان کشوری که در گذشته نه‌چندان دور در جایگاه یکی از بزرگترین قدرت‌های جهانی بوده و همچنین بیشترین چالش فکری و عملی با فرهنگ جهانی ساطع شده از غرب را داشته، در مسیر توسعه امواج جهانی‌شدن با ابهامات و تردیدهای متعددی روبرو گردیده است. در واقع، مسکو در جهان پسا شوروی با این واقعیت مواجه شده که سبک زندگی اروپایی - آمریکایی و فرهنگ و ارزش‌های غربی نضج گرفته در فرایند جهانی‌شدن به عنوان یک معضل سیاسی - امنیتی جدی مطرح بوده و این مسئله بحران‌های متعددی را در مسیر احیای مجدد فرهنگ روسی ایجاد کرده است. این مسئله سبب شده است تا فدراسیون روسیه به جهانی‌شدن نگاه تردیدآمیزی پیدا کرده و از وقوع بحران‌هایی مثل بحران فساد و فاجعه اجتماعی^۲، بحران تضعیف و فروپاشی دولت^۳ و بحران زلزله معنوی و اخلاقی^۴ در زیر سایه آن هراس داشته باشد (Dobrenkov, 2005:6). از این‌رو، می‌توان ادعان داشت که فرایند جهانی‌شدن به عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت مورد توجه فدراسیون روسیه بوده و در جهت‌گیری سیاست‌های نظامی - امنیتی آن نقش موثری ایفا کرده است. این مسئله و ابعاد آن در تجزیه و تحلیل مفاد راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز شایان توجه می‌باشد. به‌گونه‌ای که جهانی‌شدن و آثار متناقض آن بر امنیت ملی فدراسیون روسیه در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ مورد توجه و دقت

¹. Globalization

². Social Catastrophe

³. The Decay of the State

⁴. Spiritual Crisis

نظر جدی قرار گرفته و تلاش شده است تا سیاست عملی مسکو در تعامل یا تقابل با این مسئله در ابعاد مختلف ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تشریح و تبیین گردد. در این باره در بند دوم راهبرد مزبور تصریح شده است که توسعه فرایند جهانی شدن موجب ایجاد مخاطرات و تهدیدات جدی برای افراد، جامعه و دولت روسیه خواهد بود و مسکو خواهد کوشید تا با طراحی یک سیاست امنیتی جدید از این معضل با موفقیت عبور نماید. در این راستا، در بند هشتم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز نگاه فدراسیون روسیه به جهانی شدن و ابعاد چالش برانگیز آن با صراحت بیشتری مورد انتقاد واقع شده است؛ به گونه‌ای که تصریح گردیده فرایند جهانی شدن موجب توسعه نابرابر و شکاف عمیق میان کشورهای فقیر و غنی در سطح بین‌المللی شده و در این مسیر، معماری نادرست اروپا و آمریکا در قالب نهادهای یوروآتلانتیکی^۱ نظیر ناتو موجب به خطر افتادن امنیت بین‌المللی گردیده و رقابت کشورها در عرضه ارزش‌ها و الگوهای توسعه را در پی داشته است (National Security Strategy ... 2020, 2009:3). همانگونه که دیده می‌شود، فدراسیون روسیه در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به الگوی جهانی شدن اروپایی-آمریکایی بدبین بوده و تلاش داشته است تا آثار تهدیدآمیز این مسئله را شناسایی کرده و در راهبرد مزبور مورد توجه قرار دهد. در واقع، فدراسیون روسیه به عنوان یک کشور سابقه‌دار در بسط قدرت و سیاست بین‌المللی از یکجانبه‌گرایی آمریکا و متحدانش در ارائه مدل غربی جهانی شدن و فرهنگ غربی ناخشنود بوده و آن را به عنوان یک چالش امنیتی برای خود در نظر گرفته است (Garanina, 2007:11). انتقاد فدراسیون روسیه از الگوی جهانی شدن اروپایی-آمریکایی و تهدید پنداشتن آن تا جایی پیش می‌رود که در بندهای ۷۹ تا ۸۴ راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ که به فرهنگ اختصاص پیدا کرده، تصریح شده است که تحکیم و گسترش فرهنگ و ارزش‌های روسی به‌عنوان یک هدف بسیار مهم در این راهبرد بوده و مسکو خواهد کوشید تا آثار مخرب بر فرهنگ و سبک زندگی بومی و ملی روس‌ها را کنترل و مدیریت نماید. در واقع، نگاه بدبینانه و تقابلی فدراسیون روسیه به جهانی شدن را می‌توان ماحصل تجارب منفی دانست که در سال‌های اخیر بر جامعه و سبک زندگی روس‌ها وارد گردیده است (Dobrenkov, 2005:9). لذا به خاطر این مسئله است که در راهبرد امنیت ملی

^۱. EuroAtlantic

۲۰۲۰، نگاه فدراسیون روسیه به جهانی شدن با تردیدها و ابهامات گسترده‌ای مواجه بوده و تهدید شدن فرهنگ و ارزش‌های روسی به‌عنوان یک خطر امنیتی جدی و قابل‌تامل پنداشته شده است. بنابراین، جهانی شدن به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت در جهان کنونی بر جهت‌گیری‌های فدراسیون روسیه در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تاثیر قابل توجهی داشته و این کشور در نگاه تهدیدمحور به این پدیده سعی کرده تا با تقویت فرهنگ و ارزش‌های روسی و مخالفت با الگوی جهانی شدن اروپایی-آمریکایی به مقابله با آن بپردازد.

به هر روی، نیاز به توضیح است که به اعتقاد نگارندگان فدراسیون روسیه در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، جهت‌گیری دوگانه تقابل و همراهی با منابع بین‌المللی قدرت را درپیش گرفته است. این مسئله درباره جهانی شدن به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت نیز صادق می‌باشد؛ بدین معنا که علاوه بر نگاه تهدیدمحور و تقابلی به پدیده جهانی شدن که در مطالب مزبور تبیین گردید، جهت‌گیری تعامل‌محور و تا حدودی همراهی فدراسیون روسیه با پدیده جهانی شدن نیز در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ قابل توجه می‌باشد. در واقع، فدراسیون روسیه با درک واقعیات و اقتضات کنونی جامعه جهانی و شناخت مقدرات و محذورات خود، برآن بوده است تا ضمن نقد جهت‌گیری‌ها و اقدامات غرب و تهدید پنداشتن آن، حوزه‌هایی از همراهی و همکاری را نیز مدنظر قرار دهد (عسگرخانی و دیگران، ۲۳۹۲:۱۲۳). در این راستا، در بند نوزدهم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که فدراسیون روسیه نسبت به بهره‌گیری از تمامی ابزارهای صلح‌آمیز ناشی از تعاملات جهانی در تحصیل منافع ملی^۱ خود بهره خواهد گرفت و امیدوار است تا ادغام^۲ موفقیت‌آمیزی با فضای اقتصاد جهانی^۳ و تقسیم کار بین‌المللی^۴ داشته باشد (National Security Strategy ... 2020, 2009:5). در واقع، کاملاً مشهود است که فدراسیون روسیه با اتخاذ یک استراتژی دوگانه تلاش داشته است تا علاوه بر دقت نظر در مخاطرات و تهدیدهای ایجاد شده از فرصت‌هایی که فرایند جهانی شدن در اختیار این کشور قرار داده نیز بهره‌گرفته و از این طریق بر تامین امنیت

¹. National Interests

². Integration

³. Global Economic Space

⁴. International Division of Labour

و منافع ملی خود دست یابد. همراهی و تعامل فدراسیون روسیه با فرایند جهانی شدن به عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت حاکی از آن است که این کشور برآن بوده است تا ضمن لحاظ کردن مخاطرات این امر در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ از سازوکارهای نوین بین‌المللی که می‌تواند بر بهبود شخصیت جهانی این کشور تاثیر داشته باشد نیز غفلت نماید. ابعاد این مسئله و نگاه مثبت به جهانی شدن را در بند هشتم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز می‌توان مورد توجه قرار داد؛ چرا که در این بند تصریح شده است که فرایند جهانی شدن و ابعاد آن، موجب توسعه زندگی بین‌المللی در تمامی حوزه‌ها شده و این امر به نوبه خود درجه بالایی از پویایی^۱ و وابستگی متقابل^۲ را به دنبال داشته است. همچنین در بند نهم این راهبرد تاکید شده است که جهانی شدن به‌عنوان یک فرصت برای روسیه بوده تا به تقویت نفوذ خود در عرصه جهانی پرداخته و ظرفیت‌های بین‌المللی خود را توسعه دهد (National Security Strategy ... 2020, 2009:3).

با وجود این تردیدی نیست که جهانی شدن به‌عنوان یکی از منابع بین‌المللی قدرت مطرح بوده و بر جهت‌گیری‌های فدراسیون روسیه در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ اثرگذار بوده است. این مسئله از آن جهت قابل توجه است که مسکو در طراحی راهبرد مزبور، رویکردی دوگانه در قبال جهانی شدن در پیش گرفته است. از یک طرف، جهانی شدن را به‌عنوان عنصری تهدیدآمیز تلقی نموده و از طرف دیگر بر بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از آن تاکید شده است. در واقع، آنجایی که جهانی شدن به‌عنوان یک پروژه یکجانبه‌گرای اروپایی-آمریکایی بوده و قصد تحمیل فرهنگ و سبک زندگی غربی را داشته باشد به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی و تمامیت سرزمینی فدراسیون روسیه مطرح خواهد بود؛ چرا که الگوی جهانی شدن اروپایی-آمریکایی در پی تخریب فرهنگ و ارزش‌های بومی روس‌ها بوده و به‌دنبال تضعیف و فروپاشی دولت و جامعه می‌باشد (Dobrenkov, 2005:3). اما، آنجایی که جهانی شدن به‌عنوان یک فرایند پویا موجب ادغام و تعامل فرهنگی و ارتباطی میان ملت‌های مختلف بوده و ارزش‌های بومی و ملی را محترم می‌شمارد از سوی فدراسیون روسیه تکریم شده و به‌عنوان فرصتی پنداشته می‌شود که می‌تواند فرهنگ و هویت روسی را به دنیا عرضه کرده و نفوذ جهانی

¹. Dynamism

². Interdependence

این کشور را افزایش دهد. به هر روی، مذاقه و دقت نظر در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که فدراسیون روسیه نسبت به جهانی‌شدن و مسایل وابسته به آن، تردیدهای بسیاری داشته و این فرایند بین‌المللی را با دقت نظر فراوانی رصد کرده و در پی کاهش تبعات منفی و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از آن می‌باشد. در واقع، نام بردن از جهانی‌شدن در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ که یکی از اسناد رسمی و بسیار مهم منتشر شده از سوی فدراسیون روسیه می‌باشد، حاکی از آن است که مسکو به این منبع تاثیرگذار قدرت بین‌المللی توجه داشته و آثار مثبت و منفی آن بر امنیت ملی و تمامیت سرزمینی خود را به درستی درک کرده است.

نتیجه‌گیری

راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه به عنوان آخرین سند رسمی منتشر شده از سوی این کشور در زمینه دکترین نظامی-امنیتی، حائز اهمیت بسیار برای درک و فهم تفکر امنیتی حاکم بر کرملین می‌باشد. این مسئله موجب گردیده تا در مقاله حاضر به بررسی و تبیین ابعاد مختلف اثرگذاری منابع خارجی و بین‌المللی قدرت بر جهت‌گیری‌های فدراسیون روسیه در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ همت گمارده شود. البته نیاز به تصریح است که این موضوع به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن شرایط و اقتضائات درونی دولت و حکومت فدراسیون روسیه در طراحی و تدوین راهبرد مزبور نیست، بلکه با بهره‌گیری از سطوح تحلیل کنت والتز، نگاه ما معطوف به سطح تحلیل کلان بوده و فشارهای ناشی از منابع بین‌المللی قدرت در این باره را مورد توجه قرار داده‌ایم.

منابع بین‌المللی قدرت با اثرگذاری بر نحوه اتخاذ جهت‌گیری‌های فدراسیون روسیه در تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ موجب شده‌اند تا مسکو فشار ناشی از این منابع را به انحاء مختلف در راهبرد مزبور مورد توجه قرار دهد. از این‌رو به اعتقاد نگارندگان، فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، موجب تغییر و تحول جدی در منابع بین‌المللی قدرت شده و این مسئله مقدمات و محذورات متنوعی برای دولت‌های جهان و به ویژه فدراسیون روسیه ایجاد کرده است. بدین معنا که فدراسیون روسیه با داشتن سابقه زورمندی به‌عنوان یکی از دو قطب قدرت جهانی با شرایط جدیدی مواجه شده که در آن دولت آمریکا به‌عنوان قدرت اول سیاست جهانی برآن است تا الگوی روابط

بین‌الملل آمریکایی را در دنیا تسری بخشد. از این‌رو، مسکو با ابهامات متعددی در مسیر جهان پسا شوروی مواجه بوده و تلاش‌های متعارضی را در مقابله یا همراهی با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و متحدانش در دنیا درپیش گرفته است. در واقع، تحول در منابع بین‌المللی قدرت و آمریکایی شدن سیاست جهانی کنونی موجب گردیده تا فدراسیون روسیه به‌عنوان کشوری که درصدد معرفی خود به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در جهان پسا شوروی می‌باشد، با ابهامات و تعارضات جدی روبرو شود.

به هر روی، تردید و ابهام روسیه در قبال سیاست جهانی آمریکایی سبب گردیده تا راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ ترجمانی از این وضعیت آشفته مسکو باشد. به‌گونه‌ای که اتخاذ استراتژی دوگانه تقابل و همراهی فدراسیون روسیه در قبال منابع بین‌المللی قدرت در راهبرد مزبور در این مسیر قابل ارزیابی می‌باشد. این مسئله سبب گردیده تا مقامات کرم‌لین خواسته یا ناخواسته و با درک ضرورت‌ها و واقعیات جهان پسا شوروی، راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ را به‌گونه‌ای تدوین نمایند که فشار و اقتضائات برآمده از منابع بین‌المللی قدرت به‌وضوح در آن قابل تشخیص باشد. در واقع، اتخاذ راهبرد دوگانه تقابل و همراهی با منابع بین‌المللی قدرت در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه سبب گردیده تا نگاه این کشور به منابع قدرت جهانی واقع‌بینانه بوده و یک‌طرفه نباشد؛ بدین معنا که ضمن در نظر داشتن مخاطرات نظامی-امنیتی از ظرفیت‌های همکاری با این منابع نیز غفلت ننماید.

با وجود این، اصلی‌ترین مواردی که می‌توان از آن به‌عنوان منابع بین‌المللی قدرت نام برده و تاثیر محسوسی بر راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه داشته‌اند، عبارت‌اند از: توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌الملل، سازمان‌های بین‌المللی و جهانی شدن. در واقع، هرکدام از منابع قدرت مزبور به‌نوبه خود موجب شده‌اند تا فدراسیون روسیه با درک مخاطرات و فرصت‌های ناشی از آن، به ارزیابی دست‌زده و سیاست‌های مناسبی را در پیش گیرد. از این‌رو، اتخاذ استراتژی دوگانه تقابل و همراهی با منابع بین‌المللی قدرت در طراحی و تدوین راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ مورد توجه فدراسیون روسیه بوده و این کشور با فشار ناشی از این منابع به‌گونه‌ای کنار آمده که حاکی از درک واقعیات و اقتضائات نظامی-امنیتی مسکو می‌باشد. در پایان، می‌توان تصریح داشت که همراهی و تقابل فدراسیون روسیه با منابع بین‌المللی قدرت در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تا حد زیادی تابع نحوه برخورد آنها با این کشور بوده است؛ یعنی تا جایی که منابع بین‌المللی قدرت به منافع این کشور احترام گذاشته و فدراسیون روسیه را به‌عنوان یک قدرت بزرگ و نقش‌آفرین در معادلات

منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نگریده‌اند، مورد تعامل و همراهی مسکو قرار گرفته‌اند و برعکس، زمانی که منافع این کشور را نادیده گرفته و تهدیدهای جدی برای امنیت آن ایجاد کرده‌اند- مثل گسترش نظامی پیمان ناتو به شرق- و حوزه‌های نفوذ آن را با مخاطره روبرو کرده‌اند، موجب نگاه تهدیدآمیز و رویکرد تقابلی از سوی مسکو شده‌اند. با این وصف، فدراسیون روسیه در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح دارد که هیچ منبع قدرت بین‌المللی را دوست یا دشمن دائمی در نظر نگرفته و اندرکنش مسکو در قبال آنها تابع مفروض فوق می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، شهروز و محمدی، مصطفی (۱۳۹۰)، " رقابت روسیه و آمریکا در قفقاز جنوبی "، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۸.
- حق شناس، محمد جواد و باویر، امین (۱۳۸۸)، " شیوه‌های تقابل روسیه با گسترش ناتو به شرق "، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره دوازدهم.
- جلیلود، محسن (۱۳۸۸)، "نگاهی به فرایند جهانی‌شدن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره نهم.
- زهرانی، مصطفی و فرجی لوحه سرا، تیمور (۱۳۹۲)، " منابع بین‌المللی تداوم بحران قره باغ "، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳.
- سجادیپور، سید محمد کاظم و جهانبخش، محمد تقی (۱۳۹۲)، " سیاست امنیتی فدراسیون روسیه در قبال افغانستان نوین "، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۴.
- شفیع، اسماعیل و صفری، علی کرم (۱۳۹۱)، " شکل‌گیری جنگ سرد نوین در رقابت آمریکا و روسیه در منطقه قفقاز "، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره دوازدهم.
- عسگرخانی، ابومحمد و دیگران (۱۳۹۲)، " حوزه‌های همکاری و اختلاف روسیه با ناتو پس از جنگ سرد "، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲.
- عطایی، محمد فرهاد و هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۲)، " روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه "، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۴.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، " سیاست خارجی هجومی روسیه و موازنه استراتژیک اروپایی "، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴.
- کولایی، الهه و مرادی، فتح... (۱۳۸۹)، " پیامد امنیتی سازمان سازمان شانگهای در آسیای مرکزی "، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، "دکترین نظامی روسیه، دانشگاه جامع امام حسین(ع).
- نوری، علیرضا (۱۳۹۱)، ابعاد و انتقادات به سند راهبرد امنیت ملی روسیه تا سال ۲۰۲۰، موسسه ابرار معاصر.
- نصرالهی، فرشته (۱۳۹۰)، " بازنگری در روابط روسیه و آمریکا "، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره نهم.

- Adomeit, Hannes (2007), *Inside or Utside? Russian Policies Towards NATO*, German Institute of International and Security Affairs, Germany.
- Allison, Graham & others (2011), "Russia and U.S. national interests", Center for Science and International Affairs, Harvard University.

- Dobrenkov, V.I. (2005), *Globalization and Russia*, Frontiers of Sociology Institute (FSI), Stockholm, Sweden.
- Garanina, Olga (2007), *Russia between Transition and Globalization*, European Consortium for Political Research-Standing Group of International Relations, University of Turin, Turin, Italy.
- Gourevitch, Peter (1978), "The International Sources of Domestic Politics", *International Organization*, Vol.32, No.4.
- Gorenburg, Dmitry (2014), *External Support for Central Asian Military and Security Forces*, Stockholm International Peace Research Institute, Stockholm, Sweden.
- Hedenskog, Jakob & Pallin, Carolina (2013), *Russian Military Capability in a Ten-Year Perspective*, Available At: www.foi.se/russia, Accessed on: 2014/01/03
- J. Alter, Karen (2000), "European Legal System and Domestic Policy", *International Organization*, Vol.54, No.3.
- J. Blank, Stephen (2011), *Russian Military Politics & Russia's 2010 Defense Doctrine*, Strategic Studies Institute (SSI), United States.
- Kramer, Mark (2008), *Russian Policy toward the Commonwealth of Independent States*, Center for Russian and Eurasian Studies, Harvard University.
- Moravcsik, Andrew & others (1994), *Domestic Politics and International Cooperation*, Center for European Studies, Harvard University.
- Nygren, Bertil (2005), *Russia as a Great Power: Dimensions of Security under Putin*, Routledge, New York, USA.
- Ozdamar, Ozgur (2010), *Security and Military Balance in the Black Sea Region*, Department of International Relations, Bilkent University, Ankara, Turkey.
- President of the Russian Federation (2009), *National Security Strategy of the Russian Federation to 2020*.
- Robertson, Roland (1992), *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London, Newbury Park & New Delhi: Sage & Theory, Culture & Society.
- Waltz, Kenneth (1979), *Theory of International Politics*, Available At: <https://www.press.umich.edu/pdf/9780472099818-ch1.pdf>, Accessed on: 2012/08/04.
- W. Stone, Randall & Fang, Songying (2012), *International Organizations as Policy Advisors*, Department of Political Science, University of Pittsburgh.